



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: مقدمات  
موضوع جزئی: مقدمه هفتم: فی المراد بالغنیمه (امر چهارم: غنیمت در کلمات فقها) مصادف با: ۱۶ ذی الحجه ۱۴۳۴  
سال چهارم  
تاریخ: ۳۰ مهر ۱۳۹۲  
جلسه: ۲۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در ذکر مواردی از عبارات فقها بود که از عبارات آنها استفاده می شود در بیان وجوب خمس در مواردی که خمس واجب است به عمومیت معنای غنیمت در آیه شریفه استناد کرده اند؛ چند مورد ذکر شد چند نمونه دیگر هم عرض می - کنیم و بعد اشاره مختصری به عبارات مفسرین در این رابطه خواهیم داشت.

#### ۵- طبرسی:

مرحوم طبرسی در پاسخ به یک سؤالی درباره غنیمت این چنین می فرماید: «ما یؤخذ بالسیف قهراً من المشرکین یسمی غنیمَةً بلاخلاف و عندنا أنما یتستفیده الانسان من ارباح التجارات و المکاسب و الصنایع یدخل ایضاً فی ذلک»<sup>۱</sup>.

#### ۶- راوندی:

می فرمایند: اینکه غنیمت بر ما اخذ من المشرکین بالقهر و الغلبة صدق می کند این مورد اتفاق است یعنی بین ما و عامه ولی در نزد ما هر چه که انسان از فواید و ارباح تجارات و کسب و صنعت به دست بیارد آن هم داخل در غنیمت است. راوندی در فقه القرآن ابتدائاً در ذیل آیه شریفه می فرماید: «و هی خمسة و عشرون جنساً» مواردی که خمس به آنها تعلق می گیرد بیست و پنج مورد است «و کل واحد منها غنیمة فإذا کان کذاک فالاستدلال یمکن علیها کلها بهذه الآیة»<sup>۲</sup>. و اگر این چنین باشد که همه اینها غنیمت باشد پس برای وجوب خمس در همه آنها می توان به این آیه استدلال کرد یعنی یکی از ادله ی وجوب خمس مثلاً در معدن و کنز و غوص و ارباح تجارت همین آیه است چون ما غنمتم شامل آنها می شود.

#### ۷- شهید اول:

شهید اول می فرماید: «و هو بشهادة الاستقراء سبعة» یعنی ما یجب فیہ الخمس استقراءً هفت مورد است «داخله فی اسم الغنیمة» و همه این هفت مورد داخل در عنوان غنیمت هستند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. المؤلف من المختلف بین ائمة السلف، ج ۲، ص ۷۹.

<sup>۲</sup>. فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۴۲.

<sup>۳</sup>. البیان، ص ۳۳۹.

شهید ثانی تصریح می‌کند به اینکه غنیمت دو معنی دارد یکی غنیمت به معنای مشهور و دیگری غنیمت بقول مطلق؛ یعنی ما دو اصطلاح داریم منظور از غنیمت به معنای مشهور خصوص غنائم دار الحرب است اما غنیمت بقول مطلق همان معنای لغوی است که عبارت است از مطلق فائده. بعد در یک موردی حکم به وجوب خمس می‌کند و دلیل آن را هم صدق عنوان غنیمت قرار می‌دهد؛ می‌گوید اگر کسی از اموال کفار چیزی اخذ کند لکن بغیر اذن الامام (در جهاد و قتال مصطلح اذن امام معتبر است.) اما اینجا اگر کسی از اموال کفار چیزی اخذ کند بدون اذن امام و در غیر قتال خمس آن واجب است، «لصدق الغنیمة بقول مطلق علیه» چون غنیمت به معنای عام و لغوی یعنی مطلق فائده و منفعت بر آن صدق می‌کند.<sup>۱</sup>

۹- محقق حلی:

مرحوم محقق حلی در معتبر در ذیل آیه شریفه می‌فرماید: «و الغنیمة اسمٌ للفائدة و كما يتناول هذا اللفظ غنیمة دار الحرب باطلاقه يتناول غيرها من الفوائد».<sup>۲</sup>

۱۰- نراقی:

مرحوم ملا احمد نراقی در حاشیه بر شرح لمعه می‌فرماید: الغنیمة كما ذكره الشيخ في المبسوط المنفعة من الغنم و هو ما يستفيد الانسان بجميع وجوه الاستفادة و المراد بها الفائدة المكتسبة» غنیمت همان طوری که شیخ در مبسوط فرموده به معنای منفعت است و از ماده غنم گرفته شده و عبارت است از هر چیزی که انسان به دست بیاورد و کسب کند.<sup>۳</sup> مرحوم نراقی در مستند هم در ذیل همین آیه این عبارت را دارند: «و فإن الغنیمة فی اصل اللغة الفائدة المكتسبة صرح به فی مجمع البحرين و غیره من اهل اللغة و لیس هناک ما یخالفه و یوجب العدول عنه بل المتحقق ما یثبتہ و یوافقہ من العرف و کلام الفقہا و الاخبار».<sup>۴</sup>

بعد در ادامه مرحوم نراقی از خلاف شیخ طوسی نقل می‌کند که شیخ ادعای اجماع کرده بر اینکه آن ما یستفیده الانسان من ارباح التجارات و المكاسب و الصنایع یدخل فی الغنیمة».<sup>۵</sup>

مرحوم نراقی در این عبارت سه مطلب را بیان فرموده:

یکی اشاره به معنای لغوی کرده به اینکه در اصل لغت به معنای مطلق فائده و منفعت است.

دوم اینکه از شیخ طوسی نقل اجماع کرده به اینکه شیخ ادعای اجماع دارد بر اینکه ارباح تجارات و مکاسب هم داخل در غنیمت است بالاخره منحصر در غنائم جنگی نیست.

<sup>۱</sup>. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۶۳.

<sup>۲</sup>. معتبر، ص ۲۹۲.

<sup>۳</sup>. الحاشیة علی الروضة البهیة، ص ۳۲۵.

<sup>۴</sup>. مستند الشیعة، ج ۱۰، ص ۵.

<sup>۵</sup>. خلاف، ج ۲، ص ۱۱۸.

و مطلب سوم که مهم است اینکه وقتی لغت معنای عامی دارد (غنیمت در لغت به معنای مطلق فائده و منفعت است) و چیزی هم وجود ندارد که ما را وادار کند از این معنی دست برداریم بلکه آنچه وجود دارد همه مثبت و موافق معنای لغت است نتیجه این است که غنیمت به معنای مطلق فائده است. همان دلیلی که ما در ابتداء بحث ذکر کردیم و اموری را به عنوان دلیل ذکر کردیم به اینکه غنیمت معنای عامی دارد؛ سابقاً گفتیم مقتضی موجود است و مانع هم مفقود. مقتضی این است که در اصل لغت به معنای منفعت و فائده است و مانع یعنی چیزی که موجب عدول از این معنای لغوی شود وجود ندارد در ذیل همان آیه هم گفتیم مانع یا مورد و شأن نزول است یا سیاق است و اثبات کردیم نه مورد مانعیت دارد و نه سیاق بعد می‌فرماید: نه تنها مخالفی در کار نیست بلکه عرف و عبارات فقها و اخبار مثبت معنای لغوی است (همین مطلبی که ما دنبال کردیم) لذا به چه مناسبت بگوییم که غنیمت به معنای مطلق فائده و منفعت نیست؟ مقتضی موجود و مانعی هم وجود ندارد و بلکه حتی موافق هم داریم.

به هر حال ما تا اینجا ده عبارت را از اکابر فقها را نقل کردیم و همه اینها غنیمت را به معنای مطلق فائده معنی کرده و گرفته‌اند.

پس نتیجه اینکه در کلمات فقها هم غنیمت به معنای مطلق فائده و منفعت است و این فقها که عباراتشان را گفتیم اکثراً از اهل لسان هستند و شهادت آنها بما آن اکثرهم من اهل اللسان مؤید آن چیزی است که ما گفتیم (عمومیت معنای غنیمت یعنی مطلق فائده و منفعت).

بررسی معنای غنیمت در کلام فقهای عامه:

اما فقهای عامه ضمن اینکه تأکید می‌کنند معنای غنیمت به حسب لغت عام است اما معتقدند مراد از غنیمت در این آیه خصوص غنائم جنگی است یعنی آنها هم منکر عمومیت معنای غنیمت به حسب لغت نیستند؛ اصلاً بعضی از عبارات آنها تصریح دارد مخصوصاً در بین مفسرین به اینکه غنیمت در لغت به معنای مطلق فائده و منفعت است ولی معتقدند به دلائلی از غنیمت در آیه ۴۱ سوره انفال غنائم دار الحرب اراده شده است. برای این منظور به ادله‌ای هم استدلال کرده‌اند که به برخی از آنها پرداختیم مانند سیاق. یکی از ادله‌ای که ذکر کردند برای اختصاص ما غنمتم به خصوص غنائم دار الحرب سیاق آیات است و هم چنین چند دلیل دیگر هم ذکر کرده‌اند که ما مجموعه ادله‌ی اینها را إنشاء الله به اضافه شبهاتی که در این رابطه وجود دارد، ذکر خواهیم کرد.

پس در امر رابع فی الجملة معلوم شد که غنیمت به معنای مطلق فائده و منفعت است و معنای عامی دارد.

«هذا تمام الکلام فی الامر الرابع من المقدمة السابعة»

سؤال: در متن فقه القرآن اول معنای خاص غنیمت را بیان می‌کند بعد در ادامه بحث می‌گوید که اگر ما بخواهیم به این آیه استدلال کنیم باید غنیمت را به معنای عام بگیریم نه اینکه بخواهد بگوید به این معنی هست.

استاد: چنانچه گفتیم ما دو معنی داریم معنای اولی که می‌فرماید معنای مشهور است ولی در ادامه می‌گوید «و هی خمسة و عشرون جنساً و کل واحد منها غنیمة» یعنی هر کدام از این هفت مورد غنیمت است و حال که هر کدام از اینها غنیمت است «فاستدلال یمكن علیها کلها بهذه الآیة» پس می‌توانیم به این آیه هم برای همه اینها استدلال کنیم.

## امر پنجم: الغنیمه فی کلمات المفسرین

مفسرین اعم از عامه و خاصه اتفاق دارند بر اینکه غنیمت در لغت به معنای مطلق منفعت و فائده است یعنی غنیمت یک معنای عامی دارد که شامل هر چیزی است که انسان به آن دسترسی پیدا کند. اختلاف مفسرین عامه و خاصه در مراد از غنیمت در این آیه است؛ عامه معتقدند از ما غنمتم خصوص غنائم جنگی اراده شده ولی مشهور خاصه معتقدند در این آیه به هر حال به واسطه مورد و شأن نزولی که دارد قهراً منطبق بر غنیمت الحرب است مرحوم علامه طباطبائی تصریح می‌کند به این مطلب؛ ایشان می‌فرماید: «و ینطبق بحسب مورد نزول الآیه علی غنیمة الحرب» اما این انطباق به حسب مورد نزول آیه موجب نمی‌شود که بگوییم وجوب خمس فقط در خصوص غنائم جنگی است.

در اینجا باید دو مسئله را دقت کرد:

اولاً اینکه بین عامه و خاصه اتفاق نظر وجود دارد در اینکه غنیمت در لغت یک معنای عامی دارد.

ثانیاً اینکه مورد و شأن نزول این آیه مربوط به غنائم جنگی و غنائم جنگ بدر است (البته یک شبهه‌ای اینجا وجود دارد و آن اینکه با اینکه این آیات در آن جنگ نازل شد اما در عین حال در خصوص غنائم بدر خمس گرفته نشد) و این مسئله مورد اتفاق است که به حسب مورد نزول آیه منطبق بر غنائم جنگی است، اما آیا در این آیه حکم وجوب خمس فقط برای غنائم دار الحرب است یا مطلقاً ما غنمتم، این محل اختلاف بین شیعه و اهل سنت است.

**بحث جلسه آینده:** إنشاء الله در جلسه آینده به نقل عبارات مفسرین در رابطه با این آیه و معنای غنیمت در کلمات آنها خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»